

نگاه

معمای مجلس آینه شیر افکن

● نامه رحیمی سراسر افشاکاری بود. اگرچه دیر و اگرچه به بیانی توجیه‌محور. اما هرچه بود، بدون تردید نافذته‌هایش از شیوه مدیریتی محمود احمدی‌نژاد فرصت دوباره‌ای برای تکرار و زیروزبرگردن برخی سوال‌ها به‌وجود آورد. یک‌بار دیگر او بود که به نام «جابر ابدالی» اشاره کرد و کمک یک‌میلیارد۲۰۰میلیونی‌اش به ۱۷۰کاندیدای نمایندگی مجلس هشتم. بعد از آن هم دوباره فرصتی برای مرور خبر دادن چک‌های پنج‌میلیونی زیرمیزی در آستانه استیضاح مرحوم کردن در مجلس هشتم فراهم شد.

در جریان آن استیضاح، عوض حیدرپور موضوع را افشا کرد و در نهایت مشخص شد حدود صدنفر از نمایندگان در آن زمان چک‌های پنج‌میلیون‌تومانی تحت عنوان کمک به مساجد از رحیمی گرفته‌اند.

از سوی دیگر خبرهای تازه‌تر نشان از آن دارد که دو نماینده مجلس نهم پرونده‌های فساد مالی داشته و دیگر امکان حضور در انتخابات مجلس را نخواهند داشت و از آن گذشته دیگر امکان حضور در سمت‌های مدیریتی و دولتی را ندارند.

همه این گزارش‌ها پیرامون مجلس هشتم و نهم- به‌ویژه حمایت‌های مالی صورت‌گرفته- انواع سوال‌های بی‌پاسخ را پیش‌روی افکارعمومی باز می‌کند.

نخست اینکه مگر همان سال۸۷ با افشای خبر

ارابه چک‌های پنج‌میلیونی در آستانه استیضاح کردن اتفاقی افتاد؟ چرا همان‌زمان نام تمام نمایندگانی که چنین پولی را دریافت کرده‌اند، رسانه‌ای نشد و چرا اسم‌ها باز هم پشت ابر ماند. این‌روزها نمایندگان مجلس‌نهم به‌درستی به برخی بازی‌های رسانه‌ای امثال مرتضوی و رحیمی و انداختن توپ به زمین مجلس اشاره می‌کنند اما سوال مهم این است که چرا وقتی برخی مسایل افشا و شفاف شد، از خواندن و آوردن نام نماینده خطاکار طفره رفت‌اند. آیا همین حالا که حجت‌الاسلام‌والمسلمین اشرفی اصفهانی، مسوول رسیدگی به تخلفات اداری در دولت، در لافافه به اسم دوتیماینده اشاره کرده و از برد نام‌ها سر باز زده، زمینه سوال در ذهن افکارعمومی پیش نمی‌آید که به هر ۲۹۰نماینده امروز مجلس شک کنند.

آیا درست نبود که با ظهور هر فساد و تخلفی همان موقع مساله ارزیابی می شد و خاطبان- حتی در شرایط مصونیت- به سزای کار خود می‌رسیدند. آیا کسی در ذهن دارد که با اتمام مجلس هشتم احدی از دوستانی که چک‌های پنج‌میلونی گرفته، بابت این کار نادرست تنبیه شده باشد؟

امروز در راهروهای مجلس ایده توجیه‌گرایانه‌ای

به گوش می‌رسد که به باور نگارنده بسیار خطرناک

است. اینکه اصلاح‌طلبان نباید سر ماجرای

پرداخت‌های صورت‌گرفته به برخی نمایندگان چندان

تعنه بزنند و نقد کنند. توجیه نگران‌کننده برخی

نمایندگان- در همین مجلس نهم- این است که در

سنت انتخابات همیشه منابع مالی برای نمایندگان

و کاندیداها هزینه می‌شود و نباید درباره چرایی آن

پرسید. چراکه یک‌روز دست‌اصلاح‌طلبان و تزریق

برای جناح‌های سیاسی قابل‌توجیه است. منهای

اینکه متخلفان چه باشند یا راست؟ نکته غم‌انگیز

اینکه آنقدر تعداد مسایل و حاشیه‌های تخلف مالی

زیاد شده که گاهی برخی چندان تمایلی به پیگیری

این مسایل ندارند. اما رسیدگی به وضعیت نمایندگان

و به‌ویژه افرادی که در تزریق این منابع مالی همکاری

داشته‌اند در شرایط کنونی از اوجب واجبات است.

تا چشم بر هم بزیم، موعد انتخابات مجلس دهم

فراخواهد رسید و مردم باید با اطمینان‌خاطر بتوانند

پای صندوق‌ها آمده و به نماینده موردنظرشان رای

بدهند؛ فارغ از نگرانی‌های معمول درباره حمایت

آدم‌های عجیب‌وغریب از برخی کاندیداهای مجلس.

سیاست

حمایت‌های مجلس هشتم از دولت احمدی‌نژاد در گفت‌وگو با سیدفاضل موسوی:

هشدار دادیم، گفتند سیاه‌نمایی می‌کنید



✎ برای خود شما موردی پیش آمد که از سوی مسوولان دولت قبل با پیشنهاد خاصی مواجه شوید؟

یک‌بار در جلسه کمیسیون تلفیق برای بودجه سال۹۰، نمایندگان دولت درحال دفاع از تصویب و اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها بودند. من مخالف بودم و می‌گفتم که این روش اجرای قانون هدفمندسازی، یک‌سونامی به‌همراه خواهد داشت. آن روز گفتم اگر این شیوه را شروع کنید بعدا با هیچ شخصی نشده و شاید در آینده معلوم شود که چه هزینه‌هایی در این دوره به کشور تحمیل شده. موردی که اخیرا درباره آقای رحیمی مطرح شده یک مورد از موارد بسیار آن دوره است که نمی‌دانم اراده‌ای برای طرح و پیگیری همه آنها وجود دارد یا خیر. چون روی هرقت‌های که دست گذاشته شود، قطعاً مشکلات و مسایل بسیاری عیان خواهد شد.

✎ با توجه به اینکه شما نماینده مخالف دولت احمدی‌نژاد بودید و در اوایل مجلس هشتم هم رحیمی معاون پارلمانی این دولت بود، برخوردی با او داشتید که حاوی نکته‌ای خاص باشد؟

ما قبل از اینکه رحیمی معاون پارلمانی شود هم سال‌ها بود او را می‌شناختم و وقتی معاون پارلمانی شده بود، یادم است یک‌بار به شوخی به او گفتم خوب داری پیشرفت می‌کنی! رحیمی هم گفت شما که ما را تحویل نمی‌گیرید! بعد هم یک شماره‌تلفن به من داد و گفت در هر ساعتی از شبانه‌روز هرکاری داشتی فقط کافی است یک تماس بگیری. اما من به‌دلیل اینکه اصولا او و رییس دولت را قبول نداشتم هیچ‌گاه نه با آنها تماس گرفتم و نه در طول دوره مجلس هشتم به دیدن احمدی‌نژاد رفتم.

✎ در کمیسیون اصل۹۰، موردی که مربوط به روابط خاص رحیمی با سایر دولتی‌ها باشد، وجود نداشت؟

مسایل زیادی بود که قابل گفتن نیست، اما یادم

است یک‌بار یک‌کلاسه به کمیسیون فرستاده شد و

در آن پرونده‌ای قطور درباره یک فرد بود. ما پیگیری

کردیم و دیدیم بسیاری از مواردی که در آن پرونده

آمده صحت ندارد و بعد علت موضوع را جویا

شدیم. متوجه شدیم که در دولت برای هریک از

افرادیکه دولت احتمال می‌داد در آینده برایش

ایجاد خطر کند، پرونده تشکیل می‌شود و از راه‌های

مختلف، این پرونده‌ها را به کمیسیون اصل۹۰ یا سایر

مراجع قضایی ارسال می‌کنند.

در واقع در آن دولت برای افراد غیرهمسو با

خودشان پرونده‌سازی می‌کردند و رحیمی هم در

تهیه و ارسال این پرونده‌ها به مراجع مختلف نقش

پیرنگی داشت. ما همان موقع به دوستان هشدار

دادیم و گفتیم که این روش‌ها خطرناک است و

به جای خوبی ختم نمی‌شود، اما آن زمان به ما

می‌گفتند که شما سیاه‌نمایی می‌کنید.

یک‌بخش آن همین توزیع کمک‌های انتخاباتی بود، در آن مجلس وجود داشت و باعث شده بود درصد قابل‌توجهی از نمایندگان در شرایط نابرابر بتوانند بالا بیایند. من معتقدم اسم این «رانت» است و شما نمی‌توانید از کسی که در شرایط نابرابر و با توسل به لابی و مهندسی و حمایت‌های خاص وارد مجلس شده انتظار داشته باشید در چارچوب خواست خدا و مردم و در چارچوب قانون حرکت کند. البته طبیعتاً بین نمایندگان مجلس هشتم هم افراد سالم و دلسوز زیادی بودند، اما تاکید می‌کنم که درصدی از نمایندگان آن دوره، در شرایط نابرابر توانسته بودند به مجلس راه پیدا کنند و وامدار برخی گروه‌ها بودند.

✎ فکر نمی‌کنید اگر قرار به برخورد با این مسایل باشد، باید کسانی که از این مسایل آگاهی دارند

و شاهد برخی از این روابط و اتفاقات بوده‌اند،

مصادیق آنها را افشا کنند؟ آیا شما به‌عنوان یکی

از این افراد لازم نمی‌بینید سریع‌تر درباره این

مصادیق اطلاع‌رسانی کنید؟

ببینید، من عضو کمیته محرمانه کمیسیون اصل۹۰ بودم، یعنی جایی که به‌نوعی اسرار نظام در آن مطرح می‌شود و من هم امین دانسته شدم که در این جایگاه قرار گرفتم. ما سوگند خورده‌ایم که اسرار نظام را افشا نکنیم. این درست است که خیلی چیزها را می‌دانیم، اما الان ترجیح می‌دهیم آرامش کشور حفظ شود و امیدواریم که در یک فضای آرام و منطقی، مقدمات تشکیل یک مجلس مناسب فراهم شود، اما اگر روزی احساس کنیم گفتن برخی مسایل لازم است و بدانیم اراده‌ای برای پیگیری و رسیدگی به آنها وجود دارد، خیلی موارد هست که می‌توانیم به‌همراه مستندات ارایه کنیم. من به‌عنوان عضو کمیته محرمانه کمیسیون اصل۹۰، چیزهایی دیدم و از مسایلی باخبر هستم که نمی‌دانم چه اسمی روی آنها بگذارم. فقط می‌دانم که اگر پرونده‌ها کنار نبود، چه خواهد شد.

✎ در مجلس هشتم شاهد بودیم که کاسی استیضاح‌ها ناگهان

متوقف می‌شد یا مثلاً شکایت‌هایی که نمایندگان اصلاح‌طلب از دولت داشتند- تا قبل از خانه‌نشینی احمدی‌نژاد- اصلاً موردتوجه قرار نمی‌گرفت. این مسایل هم ربطی به نوع روابط آن دولت با برخی نمایندگان داشت یا مسایل دیگری هم دخیل بود؟

لابی دولت احمدی‌نژاد با مجلس درباره مسایلی مانند طرح سوال و تذکر و استیضاح فوق‌العاده زیاد بود و گاهی کار به جایی می‌رسید که آدم از نماینده‌بودن خودش احساس خجالت می‌کرد. مثلاً من یک‌بار درباره مناطق مشترک نفت و گاز از وزیر نفت سوال کرده بودم و او به کمیسیون آمد. وزیر وقت یک سری مطالب بیان کرد و من گفتم این‌ها جواب سوال من نیست و من با این حرف‌ها قانع نمی‌شوم. وزیر وقت به من گفت تو اصلاً از ابتدا بنای قانع‌شدن نداشتی و من هم گفتم این تهمت است. اما به هر حال بعد از قانع‌نشدن من در کمیسیون باید سوال به صحن می‌آمد، اما هرکاری توانستند کردند و ما هرچه به هیات‌ریسه مراجعه کردیم موضوع را به بعد موکول کردند و در نهایت هم نگذاشتند سوال من از وزیر نفت به صحن بیاید. الان که شش‌سال از آن موضوع گذشته، می‌شود بررسی کرد و دید که به‌خاطر همان موضوع چقدر کشور ضرر کرده است.

یک مورد دیگر بحث دریافت غرامت جنگ از عراق بود که من و آقای قنبری درباره آن سوال مطرح کرده بودیم و تا پایان مجلس هشتم هربار که پیگیری کردیم گفتند صلاً نیست مطرح نشود و تا آخر هم مسکوت ماند. درباره رییس دولت هم حدود ۱۳تخلف را مطرح کردیم که هرکدام هم شامل چندین بند بود.

بعد از نزدیک به چهارسال پیگیری ما، دو یا سه‌مورد را در کمیسیون اصل۹۰ تایید کردند و به

صحن فرستادند و با رای نمایندگان به قوه‌قضاییه رفت و از آن به بعد هم معلوم نیست سرنوشتش چه شد.

درحالی‌که براساس مَر قانون باید خارج از نوبت مورد رسیدگی قرار می‌گرفت. بازکردن این موارد و پرداختن به ریشه‌قَای آن کار مشکلی است. از این نوع موارد خیلی زیاد بود، ولی هیات‌ریسه مصلحت‌اندیشی می‌کرد و می‌گفت به صلاح نیست که مطرح شود.

✎ یعنی علاوه‌بر لابی دولتی‌ها با نمایندگان حامی دولت، هیات‌ریسه هم در این موارد نقش داشت؟

متأسفانه در بسیاری از موارد این‌طور بود و مثلاً یک‌بار من سوالی از وزیر جهاد کشاورزی درباره به‌خطرآفتادن امنیت غذایی کشور مطرح کرده بودم و قرار بود او در کمیسیون پاسخگو باشد. اما جلسه‌ای گذاشتند و نواب رییس به‌همراه تعداد دیگری از نمایندگان که اصلاً ارتباطی به موضوع نداشتند شروع کردند به تلاش برای قانع‌کردن ما و در نهایت هم آنقدر ماجرا را طول دادند که به جایی نرسید. هروقت که یک‌سوال یا استیضاح طرح می‌شد، مدیرکل‌ها و معاونان پارلمانی بسیج می‌شدند. برخی وزرا هم از دوستی و آشنایی خود با نمایندگان استفاده می‌کردند و خلاصه همه دست به دست هم می‌دادند تا اولاً امضاها پس گرفته شود و در ادامه اگر امضاها باقی می‌ماند، برای به‌نتیجه‌نرسیدن موضوع تلاش می‌کردند. یادم هست یکی از دوستانی که الان هم در مجلس نهم حضور دارد، یک‌بار استیضاح یکی از وزرا را مطرح کرده بود. آن زمان اینقدر ادیتش کردند و دا داخل مجلس و از دولت و از جاه‌های مختلف به او درای پس‌گرفتن استیضاح فشار آوردند که یک‌روز پیش من قسم خورد که دیگر با این وضعیت پیش را در این مجلس نمی‌گذارد.

✎ در جریان دولت هم این مسایل وجود داشت؟

برای طرح‌شدن آن سوال آقای مطهری حدود هفت‌ماه تلاش کرد تا امضا جمع کند. ما از ابتدا می‌خواستیم امضا کنیم، اما آقای مطهری گفت اگر شما که اصلاح‌طلب هستید امضا کنید، شاید برخی‌ها امضا نکنند. خلاصه ایشان چندماه تلاش کرد و امضا گرفت و مدام از آن طرف تلاش‌هایی می‌کرد و برخی‌ها امضای خود را پس گرفتند و بعد از اینکه امضا‌های آنها جمع شد ما هم امضا کردیم. اما از وقتی امضاها کامل شد، چندبار آقای مطهری طرح سوال را به هیات‌ریسه برده بود، اما آنها نامه را اعلام وصول نمی‌کردند. یک‌بار آقای مطهری به من گفت که ماجرا از این قرار است. من هم نامه را گرفتم و رفتم بالای سر رییس جلسه ایستادم و گفتم لطفاً این نامه را اعلام وصول بفرمایید. ایشان گفت «باشه» اما من ایستادم و گفتم همین الان پاراف کنید و تاریخ و ساعت هم بنزد و آنقدر ایستادم و اصرار کردم که در نهایت نامه پاراف و اعلام وصول شد. یعنی بازهم به‌صورت عادی کار پیش نرفت و من با مصیبت آنجا ایستادم و آماده بودم که اگر نامه را پاراف نکردند فریاد بزنم و در این شرایط آن سوال اعلام وصول شد.

✎ چرا همچنان فکر می‌کنید نافذته‌ماندن این مسایل بهتر از بیان آنهاست؟

ما خیلی حرف‌ها داریم که اگر بگوییم ، ممکن است تبعاتی داشته باشد. بنده چیزی هم برای

ازدست‌دادن ندارم و معتقدم در زمان انقلاب و

جنگ چندبار باید کشته می‌شدم و خدا به من رحم

کرده که تا الان زنده ماندم، وگرنه همان موقع باید

می‌رفتیم، بنابراین اگر حرف نمی‌زنیم نه موضوع

ترس و محافظه‌کاری است و نه چیز دیگری.

فقط مساله این است که ما الان می‌بینیم کشور

به آرامش نیاز دارد و الان وقت هزینه ایجادکردن

نیست. اگر آقای هاشمی و آقای خاتمی الان خون

دل می‌خورند و سکوت می‌کنند برای این است

که کشور هزینه ندهد. کسانی که این هزینه‌ها را

ایجاد کردند و همچنان هم به بزرگان این انقلاب

تهمت می‌زنند، کسانی هستند که امام(ره) چون

به‌خوبی آنها را شناخته بود، اجازه برپوالاوتن گرفت

به آنها نداد و حالا مشغول عقده‌گشایی هستند.

آنها اگرچه به دلسوزان انقلاب حمله می‌کنند، اما

هدف نهایی‌شان زدن ریشه همه چیزهایی است که

منتسب به امام(ره) است. همین اواخر هم دیدید

که به بهانه اعتراض به دولت فرانسه، رفتنند تابلوی

نوفل‌لوشاتو را کردند. چون تابلو نوفل‌لوشاتو نماد

روزهایی است که امام(ره) از فرانسه پیام انقلاب

را صادر می‌کرد و می‌گفت همه آزاد هستند. کندن

این تابلو هیچ ربطی به اعتراض نسبت به دولت

فرانسه نداشت و فقط می‌خواستند، خط و خاطره

امام(ره) را هدف قرار دهند. اگر اصلاح‌طلبان در

این شرایط سکوت می‌کنند و همه‌چیز را نمی‌گویند،

برای این است که آرامش کشور حفظ شود. چون ما

اطمینان داریم که اصلاحات، خواست اکثریت مردم

ایران است و این جریان در نهایت اجازه نمی‌دهد

که عده‌ای خط امام(ره) و آرمان‌های اولیه انقلاب

را تعطیل کنند.

آینه

ایران

مدعی مبارزه با فساد کیست؟ حسن وزینی

به موازات افشاکاری‌هایی که در حوزه فساد صورت می‌گیرد و محکومیت‌هایی که در این حوزه برای برخی از اشخاص متنفذ به‌خصوص محمدرضا رحیمی، معاون اول احمدی‌نژاد در دولت دهم صادر شده، باب بحث درباره ریشه‌های فسادخیزی و تیشه‌های فسادستیزی گشوده شده است... آنچه اکنون درباره فساد گفته می‌شود، با آنچه درگذشته از منظر منتقدان متوجه دولت‌های پیشین به‌خصوص سازندگی و اصلاحات بود متفاوت است. شان اصلی آن انتقادها معطوف به سطحی از فساد بر اثر جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی بود که محل مجادله و مناقشه دایمی بین مکتب‌های مدیریتی و اقتصادی است. اما آنچه در سال‌های اخیر رخ داده فساد عریان و آمیخته با منافع فردی و گروهی است.... دردا که انتخاب رویکرد شعاری و غیر اصولی باوجود ادعاهای پاکدستی، خود موجب فسادهای عمیقی شده که نمونه‌های آن برملا شده است... گویی که سکوت هشت‌ساله آنها، نه در جایی ثبت شده و نه در حافظه ایرانیان مانده است... در دوران دولت‌های نهم و دهم رقم واردات از رقم کلی ۱۵۸میلیارد دلار دولت‌های هفتم و هشتم (اصلاحات) به رقم افسانه‌ای ۴۲۰میلیارد دلار رسید. سکوت در برابر آن افزایش تصاعدی واردات نشانه چیست؟ آیا فسادی بزرگ‌تر از این می‌تواند در تاریخ کشور شکل بگیرد که ضعف مدیریت و اداره شعاری قوه‌اجرائی موجب شد که تحریم‌ها قدرت پول ملی را تضعیف و تولید را متزلزل و شکاف طبقاتی را تشدید و واسطه‌گری و دلالی را جایگزین تولید و سرمایه‌گذاری کرد؟... وقت آن است که امروز به جای اصرار بر نگاه‌های سطحی و ساده‌انگارانه در مساله مبارزه با فساد و مخلوط‌کردن آن با مسایل دیگر کشور که به حوادث سال۸۸ مربوط می‌شود، تولید هزینه بی‌جهت برای کشور در عرصه سیاست خارجی به‌خصوص در رابطه با همسایگان مهم و آنهاهم‌زنی‌های مکرر به دولت، فرصتی فراهم شود تا آدرس مبارزه با فساد هم‌طور که معاون اول رییس جمهوری هم تاکید کرده‌اند به سر منزل مقصود برسد.... اگر در سال۹۰ که درآمد‌های نفتی به حدود ۱۲۰میلیارد رسیده بود و با وجود آن درآمد‌ها به قول وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بودجه‌های فرهنگی کشور را نیز صرف واردات پورشه کردند و میراث خشکسالی، بر جای گذاشتند، منتقدان امروز که در آن دوران سکوت پیشه کرده و به سزا به تمجید از آن دولت می‌پرداختند، امروز اجازه دهند که دولت در خشکسالی دلار نه از قوم و خویشی به نام آمریکا بلکه در برابر زورگویی و زیاده‌طلبی این کشور مسیر کم‌هزینه‌تری را برای دسترسی به اهداف و منافع ملی پیش ببرد.

کیتان

پذیرش اهانت به پاسپورت ایرانی

چهارشنبه هفته گذشته، دولت‌یازدهم در اقدامی متغله‌انه که نشان از یک عقب‌نشینی آشکار در مقابل آمریکا داشت، اعلام کرد که «علا‌معلی خورشو» رسماً به‌عنوان نماینده دایم ایران در سازمان ملل منصوب شد... طی یک سال‌ونیم گذشته باوجود همه تلاش‌های دولت یازدهم برای به اصطلاح «اعتمادسازی» و «تش‌زدایی» در سیاست خارجی و برقراری رابطه دوستانه با دولت آمریکا، نه‌تنها طرف مقابل هیچ چراغ‌سبزی به دولت روحانی نشان نداده است بلکه علاوه‌بر نقض مکرر توافق ژنو و افزایش تحریم‌ها علیه ایران، تلاش کرده تا در همه عرصه‌های ممکن «تحقیر» ایران را نیز به صورت همه‌جانبه افزایش دهد که یک نمونه ساده ان، عدم‌صدور ویزا برای ابوطالبی و ممنوع‌الورودکردن وی به آمریکاست. این در حالی است که وی پیش‌تر در قالب یک هیات دیپلماتیک به نیویورک سفر کرده بود....

اعتراض

۲۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان درآمد دولت از فروش سربازی به ۷۵۰هزارنفر

سهیل سراییان: برای نخستین‌بار در تاریخ ایران، دولت در محل‌های ۷۷ تا ۷۹ سربازی را به فروش گذاشت تا کسری بودجه خود را تأمین کند، حالا پس از ۱۴ سال بار دیگر دولت «تدبیر و امید» می‌خواهد بخشی از کسری بودجه خود را که به گفته کارشناسان نزدیک به ۴۵هزارمیلیاردتومان است با فروش سربازی یا آنچه این روزها به‌عنوان «جریمه» مطرح می‌شود، تدبیر و جبران کند. طرح فروش سربازی در سال۱۳۹۴ مشمول کسانی می‌شود که بیش از ۱۰سال غیبت داشته باشند، در هفته گذشته محمد مهدی مفتح، سخنگوی کمیسیون تلفیق در نشست خبری اولیه بودجه کل کشور سال۹۴ از پیش‌بینی درآمد سه‌هزارمیلیاردتومانی دولت از محل اخذ جریمه متخلفین غایب سربازی در سال۹۴ خبر داد. اما با این درآمد دولت به بخش‌هایی از کسری‌های خود را می‌تواند تأمین کند؟ کمیسیون تلفیق پیش‌بینی می‌کند صد هزارنفر سربازی‌شان را می‌خرند.... حال فرض دومی را می‌توان درباره این طرح در نظر گرفت که به‌جای صد هزارنفر، نیمی از مشمولان واجد شرایط یعنی ۷۵۰هزارنفر سربازی‌شان را با رقم ۳۰میلیون‌تومانی خریداری کنند (حداقل رقم، در اینجا دولت درآمد ۲۲۵۰۰میلیاردتومانی خواهد داشت. درآمدی که معادل ۱۹۴روز فروش نفت کشور و برابر با قیمت ۱۸۱میلیون۶۲۰هزار بشکه نفت خواهد بود... .